

بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر بهبود حجم معاملات و کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

پریوش زاهدی طهرانی*، افسانه دلشاد**

چکیده

این تحقیق در پی بررسی تاثیر حسابرسی و کیفیت حسابرسی میان دوره‌ای بر بهبود کیفیت اطلاعات و حجم معاملات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار است. به‌طورکلی، استفاده از یک نمونه از شرکت‌های بورس اوراق بهادار در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ بیانگر این نتیجه است که انجام حسابرسی و کیفیت حسابرسی انجام‌شده تاثیری معنادار بر بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای نداشته است که شاید بتوان نتیجه به‌دست‌آمده را به دلیل اجمالی بودن حسابرسی میان دوره‌ای مربوط دانست. دیگر نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق نشان می‌دهد که حسابرسی شدن یا نشدن اطلاعات منتشره توسط شرکت‌ها منجر به واکنش‌های سهامداران شده و حجم معاملات سهام شرکت‌ها را تحت‌تاثیر قرار داده است. نتایج به‌دست‌آمده در خصوص تاثیرگذاری کیفیت حسابرسی بر حجم معاملات سهام گویای آن است که هیچ‌یک از معیارهای کیفیت حسابرسی تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام پس از انتشار صورت‌های مالی نداشته است. در واقع این نتایج بیانگر آن است که بیشتر از کیفیت حسابرسی انجام شده، انجام حسابرسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای مورد توجه سهامداران شرکت‌ها قرار گرفته است و واکنش بیشتری به انجام حسابرسی داشته‌اند تا کیفیت حسابرسی انجام شده. در مجموع این نتایج نشان می‌دهد که با وجود آنکه انجام حسابرسی تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام داشته اما کیفیت حسابرسی انجام‌شده تاثیری معنادار بر حجم معاملات سهام نداشته است.

کلیدواژه‌ها: حسابرسی؛ کیفیت حسابرسی؛ کیفیت اطلاعات مالی و حجم معاملات.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۱۱

* استادیار گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

E-mail: p-zahedi@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تهران (پردیس بین‌الملل کیش).

۱. مقدمه

سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری به اطلاعات مختلفی از جمله اطلاعات مالی درباره بنگاه اقتصادی نیاز دارند. در این راستا صورت‌های مالی به‌عنوان مهم‌ترین منبع اطلاعات مالی محسوب می‌شود؛ اما مسئله مهم تردید در مورد قابلیت اتکای اطلاعات مزبور است که از تضاد منافع سرچشمه می‌گیرد. هانون، جف، چن و لوبو (۲۰۰۸)، افزون بر تضاد منافع، مسائل دیگری از قبیل عدم دسترسی مستقیم کاربران به اطلاعات، موجب تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل شده است. در واقع، حسابرسی نوعی نظارت در شرکت‌ها برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کنترل آزادی عمل مدیران در گزارشگری مالی است؛ بنابراین حسابرسی صورت‌های مالی، از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها به شمار می‌رود و موجب افزایش قدرت پیش‌بینی‌کنندگی اطلاعات حسابداری، مانند نسبت‌های مالی سود هر سهم می‌شود. کاسترلا، فرانسیس و لویز (۲۰۰۴)؛ بنابراین کیفیت این اطلاعات با کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد و بازده آتی که به پشتوانه این اطلاعات به دست می‌آید، به واقعیت نزدیک‌تر خواهد شد [۵، ۱۱، ۱۵].

به‌طور کلی، تقاضا برای کیفیت حسابرسی به دلیل نقش‌های متعددی است که حسابرسی برای کاربران صورت مالی ایفا می‌کند. در نقش نظارتی، هنگامی که قدرت تصمیم‌گیری به یک نماینده واگذار می‌شود، مالکان برای ایجاد نظارت بر نماینده و جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین کاهش هزینه‌های نمایندگی به حسابرسی روی می‌آورند. در نقش اطلاعاتی، حسابرسی به‌عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی در نظر سرمایه‌گذاران ارزشمند واقع می‌شود. حسابرسی با کاهش عدم اطمینان مربوط به اطلاعات مالی گزارش شده، نرخ بازدهی مورد انتظار و صرف ریسک سرمایه‌گذاران را پایین می‌آورد و در نقش بیمه‌ای، حسابرسان با پذیرش خطر دعاوی حقوقی بالقوه و همچنین با ضمانت کردن کیفیت صورت‌های مالی، هزینه‌های ناشی از دعاوی حقوقی را کاهش داده و مدیران را در مقابل اشخاص ثالث بیمه می‌کنند [۶].

تخصص حسابرس در صنعت، بزرگی موسسه حسابرسی و دوره تصدی طولانی مدت حسابرس با شناختی که از پیچیدگی‌ها و مسایل خاص یک صنعت دارند، نقش نظارتی و اطلاعاتی بارزتری نسبت به دیگر موسسه‌های حسابرسی به‌وجود می‌آورند و می‌توانند اطلاعات قابل اتکایی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند و به این ترتیب ریسک اطلاعاتی بازار را کاهش دهند؛ بنابراین حسابرسان نقش قابل‌توجهی در کیفیت گزارشگری مالی و به‌طور مشخص، صورت‌های مالی شرکت‌ها به عهده دارند. به همین دلیل، انجام تحقیقی تجربی که به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی مستقل با یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اطلاعاتی حسابداری یعنی کیفیت

اطلاعات مالی میان دوره‌ای و یکی از مهمترین متغیرهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران یعنی حجم مبادلات سهام پردازد لازم و ضروری است. با توجه به موارد مطرح شده این تحقیق در پی بررسی تاثیر کیفیت حسابرسي بر بهبود کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای و حجم معاملات سهام می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحقیقات بسیاری در مورد تقاضا برای حسابرسي‌های با کیفیت متفاوت، در مبانی نظری پیرامون انعقاد قراردادهای و نمایندگی وجود دارد. استدلالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که هنگامی که هزینه‌های نمایندگی افزایش پیدا می‌کند، تقاضا برای حسابرسي‌های با کیفیت بالا افزایش می‌یابد. این امر یا به‌طور داوطلبانه توسط مدیران به‌عنوان یک ساز و کار رابط صورت می‌گیرد یا از بیرون به‌صورت یک سازوکار کنترلی توسط سهامداران و یا تامین‌کنندگان مالی تحمیل می‌شود. به‌طور کلی، فرض می‌شود تقاضا برای حسابرسي و به‌طور خاص برای حسابرسي با کیفیت متفاوت، راهکاری کارا برای مسائل پیرامون انعقاد قراردادهای با هزینه‌های هنگفت است. بدون شک، تخصص در صنعت بر ماهیت و کار حسابرسي و دستیابی به مهارت تاثیر می‌گذارد و ممکن است برای حسابرسان شرایطی را فراهم کند تا بهتر مسائل و موضوع‌های پیرامون خاص صنعت را شناسایی کند و مورد توجه قرار دهند. مزایای تخصص حسابرسي در صنعت در سطح شرکت انباشته و افزایش می‌یابد؛ زیرا تخصص صنعت انتقال دانش به‌دست‌آمده و فناوری ایجاد شده را از یک صاحبکار به سایر صاحبکاران مشابه تسهیل می‌کند؛ بنابراین انتظار می‌رود حسابرسان متخصص صنعت حسابرسي‌های با کیفیت بالاتری نسبت به غیر متخصصان فراهم کنند. دو عامل ممکن است برای تصمیم صاحبکاران جهت انتخاب (استخدام) حسابرسان با تخصص بالا در صنعت، تاثیر بگذارد. عامل اول، پیچیدگی عملیات صاحبکار است. شرکت‌های با عملیات پیچیده تمایل بیشتری در به‌کارگیری حسابرسان متخصص صنعت دارند؛ زیرا بسیاری از این عملیات به مشخصه‌های خاص صنعت ارتباط پیدا می‌کند. متخصصان صنعت قادر به ارائه حسابرسي اثربخش برای چنین شرکت‌هایی هستند. دومین عامل، قصد پیدا کردن شیوه‌هایی برای تامین مالی است که ممکن است یا از طریق بازارهای اعتباری و یا بازارهای سرمایه صورت گیرد. برای مثال، معمولاً قراردادهای بدهی در بردارنده تعهدات مالی نسبت‌های مالی را در سطح خاصی حفظ کند. اعتباردهندگان ممکن است در اعطای وام به شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص صنعت برای رسیدگی به اعدادی که برای کنترل وام استفاده می‌شود، بهره می‌گیرند، احساس اطمینان بیشتری نمایند. علاوه بر این، شرکتی که از تصمیم بازارهای سرمایه استفاده کند شاید از حسابرسان متخصص صنعت به‌عنوان

وسيله‌ای برای قانع کردن تامین‌کنندگان سرمایه استفاده کند. تحقیقاتی که به بررسی تأثیر نیاز استفاده‌کنندگان به حسابرسی با کیفیت پرداخته‌اند، دارای حیطه محدودتری است. اغلب تحقیقات در این زمینه شامل موارد زیر هستند [۶].

- حق الزحمه حسابرسی: ویلنبرگ (۱۹۹۹)، به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و پیشنهادات اولیه حسابرس در مورد حق الزحمه پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کند که کیفیت خدمات حسابرس تحت تأثیر پذیرش حق الزحمه پیشنهادی حسابرس است [۲۲].

- نظریه علامت‌دهی: وندا والاس (۲۰۰۴)، تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالا را در چارچوب نظریه علامت‌دهی در عرضه اولیه سهام در بازار سرمایه مورد بررسی قرار داده است. در چارچوب نظریه علامت‌دهی، اگر خریداران اوراق بهادار نتوانند میان اوراق بهادار با کیفیت و بی کیفیت تفاوت قائل شوند، قیمت بازار اوراق بهادار به گونه‌ای تعدیل می‌شود تا متوسط کیفیت مورد انتظار اوراق بهادار آماده برای فروش را منعکس سازد. پیامد چنین اقدامی خروج اوراق بهادار با کیفیت از بازار است. در واقع، چنانچه مدیران بر کیفیت نسبی اوراق بهادار خود آگاه باشند، آنها انگیزه لازم را برای انتقال یک پیام و علامت مشخص از طریق حسابرسی صورت‌های مالی با کیفیت بالا خواهند داشت. این پیام انعکاس‌دهنده فراتر بودن کیفیت اوراق بهادار آنها از متوسط کیفیت مورد انتظار بازار است [۲۰].

- هزینه نمایندگی: مطالعات گوناگونی در زمینه هزینه نمایندگی و تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا انجام شده است. دی فاند (۱۹۹۲)، دریافت که تغییر در نوع مالکیت سازمان‌ها و تغییر در اهرم مالی به طور مستقیم با تغییر در کیفیت حسابرسی ارتباط دارد. مالکان عمده و اعتباردهندگان خواهان اعمال نظارت شدیدتر بر سرمایه‌گذاری‌های خود هستند [۸]. یکی از روش‌های دستیابی به چنین هدفی، تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا است. مدیران برای کاهش هزینه نمایندگی و در نتیجه عدم تعدیل حقوق و مزایا از طرف مالکان، از انگیزه کافی برای استفاده از خدمات حسابرسان مستقل برخوردار هستند. در دفاع از عامل هزینه نمایندگی در برانگیختن مدیران برای استفاده از حسابرسان شایسته و مستقل واتز و زیمرمن (۱۹۸۳) به شواهدی استناد کرده‌اند که بر اساس آن ۸۴ درصد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس نیویورک در سال ۱۹۲۶، یعنی سال‌ها قبل از تدوین مقررات بورس اوراق بهادار مبنی بر اجباری کردن حسابرسی، از خدمات حسابرسان مستقل استفاده می‌کردند [۲۱]. والاس (۲۰۰۴)، استدلال می‌کند که فرضیه‌های نظارت، اطلاعات و بیمه فراهم‌کننده شواهد کافی برای استفاده مدیران از

خدمات حسابرسی با کیفیت بالا است [۲۰]. طبق فرضیه بیمه مدیران برای کاهش هزینه نمایندگی و پیش‌گیری از تعدیل حقوق و مزایای خود توسط مالکان، از انگیزه کافی برای انجام حسابرسی مستقل برخوردار هستند. در فرضیه اطلاعات، انگیزه مدیران از حسابرسی مستقل، تاکید بر اطلاعات مالی به‌عنوان ابزاری برای بهبود تصمیم‌گیری‌های درون‌سازمانی از طریق بهبود در کیفیت اطلاعات حاصل می‌شود. طبق فرضیه بیمه، تقاضا برای حسابرسی با میزان دعاوی حقوقی تهدیدکننده مدیران ارتباط مستقیم دارد. چنانچه بتوان مسؤلیت مالی داده‌های گزارش شده را به حساب‌رسان منتقل کرد، در این صورت، طرح دعاوی حقوقی علیه مدیران و اعتباردهندگان و سایر اشخاص حرفه‌ای در بازارهای اوراق بهادار به‌طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد؛ بنابراین با افزایش طرح دعاوی حقوقی بر علیه مدیران و سایر افراد و گروه‌های حرفه‌ای فعال در عرصه واحدهای اقتصادی انتظار می‌رود تقاضای بیمه‌ای برای حسابرسی افزایش یابد.

- کارگروه حسابرسی: ابوت و پارکر (۲۰۰۰)، تغییر حسابرس مستقل را بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفتند که وجود کارگروه حسابرسی فعال و مستقل در شرکت‌ها با افزایش کیفیت حسابرسی ارتباط نزدیک دارد. نتایج تحقیق آنها با نظریه کارگزاری (نمایندگی) تطبیق دارد و بیانگر آن است که وجود قوانین به محدود شدن حیطه عمل غیرمسولانه مدیران می‌شود؛ لذا وجود کارگروه حسابرسی باعث می‌شود که کیفیت حسابرسی از این حیث که حسابرس ممکن است تحت‌تأثیر تمایلات مدیریت قرار نگیرد، افزایش یابد [۱].

نقش حساب‌رسان مستقل در ارتباط با کیفیت اطلاعات مالی. در پاسخ به افزایش توجهات قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران و عموم مردم به قابلیت اتکاء صورت‌های مالی حسابرسی شده و کیفیت گزارشات مالی، سازمان بورس اوراق بهادار درخواست کرد که هیأت نظارت عمومی^۱ اثرات تحولات اخیر در حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و منافع مردم را ارزیابی کند. در اکتبر ۱۹۹۸، هیأت نظارت عمومی طرح حسابرسی اثربخش را برای انجام این مأموریت ارائه داد. توصیه‌ها و گزارش نهایی طرح که در اگوست ۲۰۰۰ منتشر شد، توجهات و ملاحظات متعددی شامل خدمات غیرحسابرسی بر استقلال حسابرس و رابطه بین مدیریت سود و کیفیت اطلاعات مالی را بیان و اعلام نمود. این هیأت اشاره می‌کند که در سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی در خدمات غیر حسابرسی مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که درآمد برخی شرکت‌های حسابرسی بزرگ از بابت خدمات غیر حسابرسی بیشتر از درآمد حسابرسی است. برخی از اعضای هیأت نظارت عمومی معتقدند که انجام خدمات غیر حسابرسی در قبال حق‌الزحمه‌های بالا باعث خدشه‌دار

شدن استقلال حسابرس می‌شود. در آمریکا شواهد تجربی مؤید این است که بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه وجود دارد. در پی این شواهد، سازمان بورس اوراق بهادار قوانین و مقررات مربوط به استقلال حسابرس را در سال ۲۰۰۱ بازنگری کرد و شرکت‌های سهامی عام را ملزم نمود تا میزان حق‌الزحمه پرداختی چه از بابت خدمات حسابرسی و چه از بابت خدمات غیر حسابرسی به حسابرسان مستقل، اعلام دارند. هدف از افشاء مذکور این است که به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی این فرصت را بدهد تا خودشان نتیجه‌گیری راجع به اثرات خدمات غیر حسابرسی بر استقلال حسابرسی داشته باشند و این افشاه‌ها بر رفتار حسابرسان نیز اثر می‌گذارد. به‌طورکلی، این معیار جدید افشاء (افشاء میزان حق‌الزحمه) وضع شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار عنوان می‌نماید که حق‌الزحمه بالای خدمات غیر حسابرسی پرداخت شده توسط صاحبکار به حسابرسان آنها، می‌تواند استقلال حسابرس را به خطر بیندازد و کیفیت حسابرسی و در نتیجه کیفیت سود را کاهش دهد [۴].

پیشینه تحقیق. دوئلن، هارویتر و سان (۲۰۱۵)، به بررسی ارتباط بیش‌اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی به‌عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد شرکت‌هایی که مدیران بیش‌اطمینان دارند، برای حسابرسی حق‌الزحمه کمتری پرداخت می‌کنند؛ همچنین مدیران بیش‌اطمینان با احتمال کمتری از حسابرس متخصص صنعت استفاده می‌کنند. دناهو و نکل (۲۰۱۴)، تأثیر وضعیت مالیاتی شرکت‌ها را بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی با در نظر گرفتن تخصص صنعت حسابرس بررسی کردند و نتیجه گرفتند پیچیدگی‌های وضعیت مالیاتی شرکت و الزامات گزارشگری آن، کاربردهای زیادی برای تصمیم‌های حسابرسان مستقل در پی دارد. بر اساس یافته‌های آنان، در موقعیت‌هایی که وضعیت مالیاتی پر ریسک (نامطمئن) حاکم است، حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌شود. در همین راستا، نتایج پژوهش آنان نشان داد شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی کمتری (اجتناب مالیاتی بیشتری) دارند، به‌طور متوسط حدود ۶ درصد حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند. در ضمن، چنانچه عدم شفافیت مالیاتی خیلی زیاد نباشد، انجام خدمات مالیاتی برای واحدهای تحت رسیدگی با ایجاد آگاهی درباره وضعیت مالیاتی، افزایش حق‌الزحمه حسابرسی را متعادل می‌کند؛ همچنین حسابرسی توسط فرد متخصص، حق‌الزحمه بیشتری در پی دارد که این موضوع ارتباطی به وضعیت مالیاتی شرکت ندارد و از آن مستقل است [۹، ۱۰].

شامکی (۲۰۱۳)، در تحقیقی به بررسی تأثیر برخی عوامل اقتصادی بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مربوط بودن ارزش اطلاعاتی سود و ارزش دفتری در شرکت‌هایی که مالکیت خارجی (بخشی از مالکیت شرکت توسط اشخاص

حقيقي يا حقوقى خارجى باشد) و حجم معاملات بيشتري دارند، بالاتر است. با توجه به تاثير اين عوامل، قيمت سهام در پايان سال، نسبت به ساير نمايندگان (شاخص‌هاى) قيمت سهام، واكنش بيشتري نشان مى‌دهد. اين يافته تحقيق عنوان مى‌دارد كه مشاركان بازار ممكن است قادر باشند تا ارزش شركت را با استفاده از اين عوامل شناسايى كنند. اين تحقيق با در نظر گرفتن جريانات نقدي همراه با دو متغير سود و ارزش دفترى، مدل‌هاى ارزشيابى را گسترش داده است. يافته‌هاى تحقيق نشان مى‌دهد كه يك تغيير از سود به سمت ارزش دفترى به‌عنوان مبنای ارزش‌گذاري شركت رخ داده است [۱۹].

پورحيدرى و گل محمدى شوركى (۱۳۹۴)، تاثير ريسك وضعيت مالياتى شركت بر حق الزحمه حسابرسي را بررسي نمودند. شواهد پژوهش نشان مى‌دهد رابطه منفي (مثبت) و معنادارى ميان نرخ مؤثر ماليات (ريسك وضعيت مالياتى) و حق الزحمه حسابرسي وجود دارد. به بيانى، هرچه وضعيت مالياتى شركت از ريسك بيشتري برخوردار باشد، حق الزحمه حسابرسي بيشتري پرداخت مى‌شود؛ همچنين نتايج پژوهش برقرارى رابطه مثبت و معنادار ميان اندازه شركت و گزارش زيان را تأييد كرد و نشان داد ميان اهرم مالى و اظهارنظر تعديل شده با حق الزحمه حسابرسي رابطه منفي و معنادارى وجود دارد [۱۶].

يگانه و همكاران (۱۳۹۴)، در تحقيقى به بررسي بيش‌اطمينانى مديريت و حق الزحمه حسابرسي پرداختند. در اين پژوهش براى اندازه‌گيرى بيش‌اطمينانى مديريت از دو سنجه مبتنى بر تصميم‌هاى سرمايه‌گذاري استفاده شده است. نتايج پژوهش نشان مى‌دهد بين بيش‌اطمينانى مديريت و حق الزحمه حسابرسي ارتباط منفي معنادارى برقرار است. بر اساس بررسي‌هاى بيشتري، بيش‌اطمينانى مديريت بر استفاده از حسابرسي متخصص صنعت، تاثير معنادارى ندارد [۲۳].

مرادى و اصوليان (۱۳۹۳)، در تحقيقى به بررسي اظهارنظر حسابرسي و مديريت سود با تأكيد بر ابهام در تداوم فعاليت پرداختند. براى بررسي رابطه مذکور از مدل رگرسيون لجستيك استفاده شده است. نمونه پژوهش، شركت‌هاى پذيرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بين سال‌هاى ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ است. يافته‌هاى پژوهش بيانگر آن است كه بين مديريت سود و اظهارنظر مشروط حسابرسي به دليل ابهام در تداوم فعاليت شركت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. اين در حالى است كه بين مديريت سود و اظهارنظر مشروط حسابرسي به دلایلى جز ابهام در تداوم فعاليت، ارتباط معنادارى مشاهده نشده است. اين یافته‌ها حاکی از آن است كه ابهام در مورد تداوم فعاليت شركت صاحبكار، ريسك ذاتى حسابرسي را فزونى مى‌بخشد و احتمال صدور گزارش مشروط را در صورت وجود مديريت سود، افزايش مى‌دهد [۱۴].

۳. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی بر بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تاثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی بر بهبود حجم معاملات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تاثیر معناداری دارد.

۴. روش‌شناسی تحقیق

گردآوری داده‌ها. در این تحقیق به منظور تدوین مبانی نظری، روش کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است و به منظور جمع‌آوری داده‌های مالی روش میدانی مورد استفاده قرار گرفته است و از منابع مختلفی از جمله لوح‌های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزارهای تدبیر پرداز، ره‌آورد نوین، سایت اطلاع‌رسانی شرکت بورس و سازمان بورس استفاده شده است. برای دسته‌بندی، تلخیص و ایجاد پایگاه داده‌ها از نرم‌افزار Excel و به منظور آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار Spss نسخه ۱۹ استفاده شده است.

جامعه و نمونه‌آماري. جامعه آماری در این تحقیق، شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دسترسی آسان به اطلاعات، همچنین استاندارد بودن و همگن بودن اطلاعات آنها دلیل انتخاب این شرکت‌ها به عنوان جامعه آماری تحقیق است. با قید محدودیت‌های زیر برای جامعه آماری و تعدیل آن، نمونه آماری مشخص می‌شود. نمونه انتخابی این تحقیق شامل شرکت‌هایی است که دارای شرایط زیر باشند و در حقیقت شرکت‌های مورد بررسی در این تحقیق به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده‌اند:

- ۱) اطلاعات مالی شرکت برای دوره زمانی تحقیق یعنی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ موجود باشد.
- ۲) سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- ۳) شرکت‌هایی که حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند (یعنی قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس پذیرفته شده باشند) و نام شرکت در دوره مورد بررسی از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران حذف نشده باشد.
- ۴) در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداده باشند.
- ۵) جز شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشند.
- ۶) اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای و نیز اطلاعات مربوط به وضعیت حسابرسی و حجم معاملات آنها در دسترس باشد.

پس از اعمال محدودیت‌ها تعداد ۶۸ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ شرایط فوق را دارا بوده و با توجه به این امر نمونه‌گیری انجام نشده و تمامی شرکت‌ها جهت بررسی انتخاب شده‌اند (تعداد نمونه‌های تحقیق در نهایت به ۱۰۲۰ شرکت-دوره رسیده است).

متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل تحقیق. متغیر مستقل در این تحقیق کیفیت حسابرسی است. در این تحقیق کیفیت حسابرسی به دو روش زیر اندازه‌گیری می‌شود:

اندازه موسسه حسابرسی. دی‌آنجلو (۱۹۸۱)، عنوان می‌کند که استقلال حسابرس رابطه مثبتی با یافته‌ها و گزارش‌های حسابرس در خصوص تحریف و عدم رعایت قوانین و استانداردها در صورت‌های مالی دارد (به عبارتی استقلال حسابرس فراهم‌کننده کیفیت حسابرسی بالاتری است) [۷]. استقلال به اندازه شرکت‌های حسابرسی وابسته است؛ به نحوی که هر چه اندازه شرکت حسابرسی بزرگ‌تر باشد، استقلال آن نیز بالاتر خواهد بود. تحقیقات گذشته دی‌آنجلو (۱۹۸۱) و احمدپور (۱۳۸۹)، اندازه شرکت حسابرسی را به عنوان معیار عمومی کیفیت حسابرسی در نظر گرفته‌اند؛ چراکه شرکت‌های حسابرسی بزرگ‌تر، درجه استقلال، تجربه و تخصص بالاتری دارند و به تبع آن کیفیت حسابرسی بالاتری نیز ارائه خواهند کرد. با توجه به موارد مطرح‌شده، در این تحقیق اندازه موسسه حسابرسی به عنوان متغیر سنجش کیفیت حسابرسی است. با توجه به اینکه در ایران بزرگ‌ترین موسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی است، برای محاسبه کیفیت حسابرسی، از متغیر مجازی استفاده می‌شود و چنانچه حسابرس شرکت‌های نمونه، سازمان حسابرسی باشد، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار ۰ لحاظ می‌شود [۴،۷].

تخصص حسابرسی در صنعت. این پژوهش سهم بازار را شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص صنعت موسسه حسابرسی استفاده کرده است؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به دیگر حسابرسان نشان می‌دهد. هرچه سهم بازار موسسه حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه آن نسبت به دیگر رقبا بیشتر است. سهم بازار موسسه حسابرسی از رابطه زیر به شرح زیر محاسبه می‌شود:

مجموع دارائی‌های تمام صاحب‌کاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص، تقسیم بر مجموع دارائی‌های صاحبکاران در این صنعت [۱۲].

$$MS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{ijk} TA_{ijk}}{\sum_{i=1}^{ik} \sum_{j=1}^{ijk} TA_{ijk}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

MS_{ik} : سهم بازار موسسه حسابرسی i در صنعت k

TA : مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران

i : نماد موسسه حسابرسی

i : نماد شرکت صاحبکار

k : نماد صنعت مورد نظر

با پیروی از چن (۲۰۱۴) و اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸)، این پژوهش موسسه‌هایی را متخصص صنعت (نماد spec) در نظر گرفته است که سهم بازارشان بر اساس رابطه فوق در رابطه زیر برقرار است [۶، ۱۲]:

$$MS_{ik} > \frac{1}{N_k} * 1.2 \quad \text{رابطه (۲)}$$

در رابطه فوق N_k تعداد شرکت‌های موجود در صنعت k است؛ بنابراین اگر شرکت از سوی موسسه حسابرسی متخصص صنعت حسابرسی شده باشد $SPEC=1$ و در غیر این صورت $SPEC=0$ خواهد بود.

متغیر وابسته تحقیق. متغیر وابسته این تحقیق عبارت است از حجم معاملات و کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای که به شرح زیر مورد اندازه‌گیری و سنجش قرار خواهند گرفت.

حجم معاملات. منظور از حجم معاملات، تعداد سهام معامله شده در یک دوره زمانی مشخص پس از اعلام صورت‌های مالی میان دوره‌ای است که در این تحقیق از بازه زمانی ۷ روز کاری برای این منظور استفاده شده است [۶].

کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای. برای سنجش این متغیر از کیفیت اقلام تعهدی و با استفاده از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده خواهد شد. جونز (۱۹۹۱)، تفاوت سود و وجه نقد حاصل از عملیات را به عنوان اقلام تعهدی شناسایی کرده است. در این رویکرد، عقیده حاکم بر آن است که اطلاعات موجود در وجوه نقد حاصل از عملیات، معیار عینی‌تری برای ارزیابی عملکرد واقعی اقتصادی واحد تجاری است و از این رو کم‌تر می‌تواند مورد دستکاری مدیریت قرار

گیرد. برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی و سنجش آن روش‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که مدل تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۱) از قدرت کشف‌کنندگی بالاتری در مدیریت سود برخوردار است؛ بنابراین در تحقیق حاضر از مدل تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۱) جهت سنجش اقلام تعهدی و اجزای آن، به شرح زیر استفاده می‌شود [۱۳]:

$$\frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$DAC_{it} = \frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} - \left[\hat{\alpha}_0 + \hat{\alpha}_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \hat{\alpha}_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \hat{\alpha}_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right]$$

که در آن:

TAC معرف مجموع اقلام تعهدی (تفاوت سود خالص و وجوه نقد حاصل از عملیات)،

ΔREV_{it} تغییرات درآمد (فروش) شرکت نسبت به دوره ماقبل آن،

PPE اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات،

A_{it-1} مجموع دارایی‌های ابتدای دوره و

ΔREC_{it} بیانگر تغییرات حساب‌های دریافتی نسبت به دوره ماقبل آن است.

در اولین قدم، مجموع اقلام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است، با متغیرهای فروش و اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، به شرح مدل نخست، اقلام تعهدی نرمال برآورد می‌شود؛ سپس با استفاده از مدل دوم، اقلام تعهدی اختیاری (غیرعادی) به تفکیک هر شرکت-سال محاسبه خواهد شد. قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری بیانگر کیفیت اطلاعات مالی می‌باشد. هرچه مقدار قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری کمتر باشد، بیانگر کیفیت سود و کیفیت اطلاعات مالی بالاتری است و برعکس.

روش تحقیق. این تحقیق در پی بررسی تاثیر حسابرسی میان دوره‌ای بر کیفیت اطلاعات مالی و نیز حجم معاملات است؛ لذا قبل از هر چیزی به بررسی آمار توصیفی متغیرهای تحقیق پرداخته خواهد شد تا به چارچوب و دیدی کلی در خصوص هر یک از متغیرهای تحقیق دست یابد؛ سپس با استفاده از مدل‌های رگرسیونی زیر به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته خواهد شد [۶].

$$TV_{POST} = \alpha_0 + \beta_1 Audit + \beta_2 TV_{pre} + \beta_3 TV_{Annual} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 ABS_CAR_{i,t} + \beta_6 BTM_{i,t} + \beta_7 MTV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۴)}$$

و مدل زیر برای سنجش تاثیر کیفیت حسابرسی انجام شده بر کیفیت اطلاعات مالی مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

$$FINQ_{it} = \alpha + \beta_1 Audit_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 MTB_{it} + \beta_4 Profit_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۵)

در هر یک از مدل‌های فوق:

Audit: بیانگر وضعیت حسابرسی شرکت در دوره میانی است. چنانچه شرکت مورد بررسی در دوره میانی مورد نظر مورد حسابرسی قرار گرفته باشد، به این متغیر مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار ۰ اختصاص داده خواهد شد. در بخش دیگر و به صورت مجزا این متغیر بیانگر وضعیت کیفی حسابرسی انجام شده بر اساس هر یک از معیارهای اندازه حسابرس، تخصص حسابرس و دوره تصدی حسابرس خواهد بود.

TV_{POST}: میانگین حجم معاملات روزانه در هفت روز بعد از اعلام صورت مالی میان دوره.

TV_{pre}: میانگین حجم معاملات روزانه در هفت روز قبل از اعلام صورت مالی میان دوره.

TV_{Annual}: میانگین حجم معاملات روزانه سال.

Size_{i,t}: اندازه شرکت که با استفاده از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها سنجیده می‌شود.

ABS_CAR_{i,t}: قدر مطلق بازده تجمعی سهام در دوره بعد از اعلام صورت‌های مالی.

BTM_{i,t}: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار.

FINQ_{it}: کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای.

Profit_{it}: وضعیت سودآوری شرکت که با استفاده از نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها سنجیده خواهد شد.

LEV_{it}: اهرم مالی که با استفاده از نسبت بدهی به جمع دارایی‌ها اندازه‌گیری خواهد شد.

MTV_{i,t}: میانگین حجم معاملات روزانه بازار سهام

نحوه تصمیم‌گیری در خصوص تایید یا رد فرضیه‌های تحقیق بدین صورت است که با توجه به علامت و سطح معناداری به‌دست‌آمده در خصوص وضعیت حسابرسی شرکت در میان دوره (β_1) نسبت به تایید یا رد فرضیه‌ها در هر یک از مدل‌های تحقیق اقدام خواهد شد.

۵. تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی. آمار توصیفی تحقیق حاضر به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

	Statistics							
	N Valid	Maximum	Minimum	Kurtosis	Skewness	Std.Deviation	Median	Mean
FINQ	۱۲۲۴	۰/۰۳۹۶	۰/۰۳۳۷	۰/۰۳۳۵۶	۲/۱۰۸	۸/۱۲۵	۰/۰	۰/۳۱
TV_Post	۱۲۲۴	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱۷۳	۱/۷۶۷	۲/۴۲۱	۰/۰	۰/۰۲
TV_Pre	۱۲۲۴	۰/۰۰۴۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۵۶۲۹	۲۳/۵۸۳	۵۹۹/۶۸۶	۰/۰	۱/۵۷
TV_Annual	۱۲۲۴	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۱۷۳	۴/۱۱۵	۳۵/۳۸۰	۰/۰	۰/۰۲
ABC_CAR	۱۲۲۴	۰/۰۶۲۰	۰/۰۱۲۰	۰/۱۲۶۷۰	۴/۶۷۶	۳۳/۶۵۳	۰/۰	۱/۴۷
Auditsize	۱۲۲۴	۰/۲۱	۰/۰	۰/۴۰۵	۱/۴۵۷	۰/۱۲۲	۰	۱
AuditSpec	۱۲۲۴	۰/۱۰	۰/۰	۰/۲۹۷	۲/۷۰۷	۵/۲۳۵	۰	۱
MTV	۱۲۲۴	۶/۱۳۴۴	۶/۱۳۳۴	۰/۱۶۶۸۷	۰/۰۴۳	-۱/۲۷۴	۵/۸۹	۶/۳۸
Size	۱۲۲۴	۵/۶۹۷۹	۵/۶۹۸۵	۰/۶۲۳۹۴	۰/۰۹۷	-۱/۴۴	۴/۰۳	۷/۴۱
BTM	۱۲۲۴	۱/۱۲۴۴	۰/۴۴۷۰	۵/۳۶۸۸۹	۹/۹۴۵	۱۰۹/۳۹۵	-۱۳/۵۹	۶۹/۹۵
Lev	۱۲۲۴	۰/۶۶۳۴	۰/۶۹۰	۰/۲۰۹۲۷	۰/۴۰۵	۲/۷۳۸	۰/۰۷	۱/۸۵
Profit	۱۲۲۴	۰/۰۲۶۶	۰/۰۳۲۰	۰/۰۹۱۳۶	۲/۵۲۹	۲۹/۶۴۱	-۰/۴۴	۱/۲۶

بر اساس جدول ۱، متوسط متغیر کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای (FINQ) که با استفاده از قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری مورد سنجش قرار گرفته است، برابر با ۰/۰۳۹۶ بوده است. با توجه به آنکه هرچه مقدار به دست آمده از کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای کوچک‌تر و نزدیک به صفر باشد، نشان دهنده میزان کیفیت اطلاعات مالی بالاتری است، می‌توان گفت کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای شرکت‌های رسیدگی شده به طور متوسط در حد قابل توجهی بوده است. میانگین حجم معاملات روزانه در هفت روز بعد از اعلام صورت مالی میان دوره‌ای (TV_post) برابر با ۰/۰۰۰۶ است که این مقدار نشان دهنده آن است که حجم معاملات روزانه در هفت روز پس از اعلام صورت‌های مالی حدود ۰/۰۶ درصد کل تعداد سهام شرکت بوده است. نتایج گویای آن است که میانگین حجم معاملات روزانه هفت روز قبل از اعلام صورت‌های مالی میان دوره‌ای (TV_pre) برابر با ۰/۰۰۴۱ است که این نتیجه نشان می‌دهد حجم معاملات قبل از اعلام صورت‌های مالی بزرگ‌تر از حجم معاملات روزهای پس از اعلام صورت‌های مالی بوده و حدود ۰/۴ درصد است. میانگین سالیانه حجم معاملات روزانه سهام در سال مالی (TV_annual) برابر با ۰/۰۰۱۱ است و این نتیجه بدان معناست که به صورت میانگین طی روزهای معاملاتی تعداد سهام معامله شده شرکت حدود ۰/۱ درصد جمع کل تعداد سهام معامله شده شرکت بوده است. دیگر نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که متوسط قدرمطلق بازده تجمعی سهام در دوره بعد از اعلام صورت‌های مالی (ABS_CAR) برابر با ۰/۰۶۲۰ است که بیانگر قدرمطلق بازدهی تجمعی حدود ۶ درصد بوده است. میانگین کیفیت حسابرسی براساس

معیار اندازه حسابرس (Audit Size) برابر با ۰/۲۱ می‌باشد و این نتیجه بدان معناست که حدود ۲۱ درصد از شرکت‌های نمونه توسط حسابرس بزرگ (در این تحقیق سازمان حسابرسی به‌عنوان حسابرس بزرگ شناخته می‌شود) مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند؛ همچنین متوسط متغیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس (Audit_Spec) برابر با ۰/۱۰ است و این بدان معناست که تنها حدود ۱۰ درصد از شرکت‌های نمونه توسط حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند که در صنعت مورد فعالیت آنها دارای تخصص بوده است.

تجزیه و تحلیل مدل‌های تحقیق. در این تحقیق سعی شده است تا به بررسی نقش کیفیت حسابرسی بر بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای و حجم معاملات سهام شرکت‌ها پس از انتشار صورت‌های مالی میان دوره‌ای در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شود. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق در مرحله نخست به بررسی تاثیر انجام حسابرسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای بر بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای و نیز حجم معاملات پس از انتشار این صورت‌های مالی پرداخته شده و در مرحله بعدی به بررسی ویژگی‌های کیفی حسابرسی انجام شده بر متغیرهای یاد شده پرداخته شده است تا نتایج کافی جهت اظهار نظر در خصوص فرضیه‌های تحقیق فراهم آید. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون مدل‌ها و فرضیه‌های تحقیق به شرح بخش‌های زیر است:

بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر بهبود کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای_ آزمون فرضیه نخست تحقیق. نتایج آزمون فرضیه نخست تحقیق و آماره‌های به‌دست‌آمده از آزمون t به شرح جدول ۲ است:

جدول ۰۲. تاثیر کیفیت حسابرسی بر حجم معاملات سهام پس از انتشار صورت‌های مالی میان دوره لای

متغیرهای مدل	مدل کلی، وضعیت انجام حسابرسی			کیفیت حسابرسی بر اساس، معیار تخصص حسابرسی			کیفیت حسابرسی بر اساس، وضعیت انجام حسابرسی		
	ضریب Coff	آماره t	سطح معناداری (Prob)	ضریب Coff	آماره t	سطح معناداری (Prob)	ضریب Coff	آماره t	سطح معناداری (Prob)
C	-۱/۱۸۲	-۸/۸۴۱	/۰۰۰	-۱/۱۷۲	-۸/۷۴۴	/۰۰۰	-۱/۱۵۴	-۸/۵۲۹	/۰۰۰
Audit	۰/۰۱۸	۰/۶۶۹	/۰۰۴	-۰/۰۱۵	-۰/۳۶۲	/۰۷۱۷	۰/۰۳۵	۱/۰۵۵	/۰۲۹۱
Size	-۰/۰۹۲	-۴/۲۱۷	/۰۰۰	-۰/۰۹۲	-۴/۲۳۰	/۰۰۰	-۰/۰۹۶	-۴/۳۳۴	/۰۰۰
BTM	-۰/۰۰۹	-۳/۷۰۷	/۰۰۰	-۰/۰۰۹	-۳/۷۱۹	/۰۰۰	-۰/۰۱۰	-۳/۸۵۴	/۰۰۰
Profit	-۰/۴۲۲	-۲/۶۵۸	/۰۰۷	-۰/۴۲۱	-۲/۶۶۷	/۰۰۸	-۰/۴۲۱	-۲/۶۸۱	/۰۰۷
Lev	۰/۲۳۷	۳/۵۳۸	/۰۰۰	۰/۲۳۸	۳/۵۶۲	/۰۰۰	۰/۲۳۳	۳/۴۶۹	/۰۰۱

F	۱۴/۴۹۸	۱۴/۴۳۱	۱۴/۶۴۰
Sig	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰
Durbin-Watson	۱/۶۴۴	۱/۶۴۳	۱/۶۴۶
R Square	۰/۰۵۷	۰/۰۵۶	۰/۰۵۷
Dependent Variable	TV_Post	TV_Post	TV_Post

در جدول ۲ بخش نخست مربوط به تاثیر انجام حسابرسی بر کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای است و با توجه به نتایج به دست آمده از این جدول می‌توان گفت:

- مقدار آماره F مدل نخست برابر با ۱۴/۴۹۸ و سطح معناداری (sig) آن ۰/۰۰۰ است و از آنجاکه این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر فوق (تساوی ضرایب متغیرهای مستقل با صفر) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و این بدان معناست که می‌توان فرضیه تحقیق را با استفاده از مدل رگرسیونی فوق بررسی و مورد آزمون قرار داد. میزان ضریب تعیین مدل تحقیق برابر با ۰/۰۵۷ است و این نتیجه بدان معناست که حدود ۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می‌شود.

- مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر مجازی وضعیت انجام حسابرسی در دوره میانی (Audit) که با توجه به وضعیت انجام حسابرسی در دوره میانی مدنظر، به این متغیر مقدار ۱ و در صورت عدم انجام حسابرسی مقدار ۰ اختصاص داده شده است، به ترتیب برابر با ۰/۶۶۹ و ۰/۵۰۴ می‌باشد که این نتیجه نشان‌دهنده تاثیر مثبت اما بی‌اهمیت آن بر کیفیت اطلاعات مالی میان دوره‌ای است. سطح معناداری به دست آمده گویای آن است که کیفیت حسابرسی اطلاعات میان دوره‌ای تحت تاثیر انجام و یا عدم انجام حسابرسی میان دوره‌ای که با عنوان بررسی اجمالی صورت‌های مالی میان دوره‌ای شناخته می‌شود، قرار نگرفته است و انجام حسابرسی نتوانسته است کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای را بهبود بخشد.

بخش‌های دوم و سوم جدول ۲ به ترتیب مربوط به تاثیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس و معیار اندازه حسابرس بر کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای است که نتایج به‌دست‌آمده به شرح زیر می‌باشد:

- نتایج به‌دست‌آمده در بخش دوم جدول ۲ که نشان‌دهنده تاثیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس بر کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای می‌باشد، نشان‌دهنده آن است که مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس، به ترتیب برابر با $-۰/۳۶۲$ و $۰/۷۱۷$ است و این نتیجه بدان معناست که کیفیت حسابرسی تاثیری منفی اما بی‌معنا بر متغیر وابسته داشته است و با توجه به نحوه تفسیر متغیر وابسته تحقیق، نتیجه به‌دست‌آمده بیانگر آن است که با افزایش کیفیت حسابرسی به واسطه افزایش تخصص حسابرس، بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای مشاهده شد هرچند که این رابطه از لحاظ آماری معنادار نیست.

نتایج در بخش سوم جدول ۲ بیانگر آن است که مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار اندازه حسابرس، به‌عنوان یکی دیگر از معیارهای سنجش تخصص حسابرس، به ترتیب برابر با $۱/۰۵۵$ و $۰/۲۹۱$ است. نتیجه به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی (بر اساس معیار اندازه حسابرس) تاثیر معناداری بر بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای نداشته است. در مجموع نتایج جداول ۲ نشان‌دهنده آن است که انجام حسابرسی میان دوره‌ای تاثیر معناداری بر کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای نداشته است که شاید بتوان نتیجه به‌دست‌آمده را به دلیل اجمالی بودن حسابرسی میان دوره‌ای مربوط دانست. با توجه به عدم تاثیرگذاری انجام (یا عدم انجام) حسابرسی میان دوره‌ای بر کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای می‌توان انتظار داشت که کیفیت حسابرسی نیز عاملی تاثیرگذار بر کیفیت اطلاعات مالی نباشد که نتایج نیز موید همین امر بود. در مجموع این نتایج نشان می‌دهد که:

فرضیه نخست تحقیق مبنی بر اینکه؛ کیفیت حسابرسی بر بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تاثیر معناداری دارد، در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.

تأثير کیفیت حسابرسي بر بهبود حجم معاملات – آزمون فرضیه دوم تحقیق. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه نخست تحقیق و آماره های آزمون t به شرح جدول ۳ می باشد:

جدول ۳. نتایج تاثیر کیفیت حسابرسي بر کیفیت اطلاعات میان دوره لای

متغیرهای مدل	مدل کلی، وضعیت انجام حسابرسي			کیفیت حسابرسي بر اساس معیار تخصص حسابرسي			کیفیت حسابرسي بر اساس وضعیت انجام حسابرسي		
	ضریب Coff	آماره t	سطح معناداری (Prob)	ضریب Coff	آماره t	سطح معناداری (Prob)	ضریب Coff	آماره t	سطح معناداری (Prob)
C	-۰/۰۰۴	-۲/۰۷۵	۰/۰۲۸	-۰/۰۰۳	-۱/۶۲۳	۰/۱۰۵	-۰/۰۰۳	-۱/۸۹۸	۰/۰۵۸
Audit	۰/۰۰۰	۲/۷۹۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	-۰/۸۶۵	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۰	۰/۶۸۹
TV_Pre	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۷	۰/۹۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴	۰/۹۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲	۰/۹۲۷
TV_Annual	۰/۲۷۵	۱۰/۱۳۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۳	۱۰/۰۴۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۳	۱۰/۰۳۰	۰/۰۰۰
Size	۰/۰۰۳	۷/۵۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۷/۶۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۷/۶۶۰	۰/۰۰۰
ABC_CAR	۰/۰۰۱	۲/۱۴۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	۱/۷۴۵	۰/۰۸۰	۰/۰۰۱	۱/۹۸۹	۰/۰۲۷
BTM	۰/۰۰۰	-۰/۵۷۰	۰/۵۶۹	۰/۰۰۰	-۰/۵۴۱	۰/۵۸۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۸۱	۰/۶۳۱
MTV	۰/۰۰۰	-۰/۶۶۱	۰/۵۰۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۹۸	۰/۴۸۵	۰/۰۰۰	-۰/۵۵۵	۰/۵۷۹

F	۳۴/۷۸۱	۳۳/۵۷۵	۳۳/۴۷۵
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
Durbin-Watson	۱/۸۵۰	۱/۸۳۹	۱/۸۵۲
R Square	۰/۱۶۷	۰/۱۶۱	۰/۱۶۲
Dependent Variable	TV_Post	TV_Post	TV_Post

در جدول ۳، بخش نخست مربوط به تاثیر انجام حسابرسي بر حجم معاملات سهام میان دوره ای است، نتایج به دست آمده از جدول ۳ نشان می دهد که:

– مقدار آماره F مدل نخست برابر با ۳۴/۷۸۱ و سطح معناداری (Sig) آن ۰/۰۰۰ است و از آنجاکه این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض تساوی ضرایب متغیرهای مستقل با صفر، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود و این بدان معناست که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه خطی وجود دارد و می توان فرضیه تحقیق را با استفاده از مدل رگرسیونی فوق بررسی و مورد آزمون قرار داد. میزان ضریب تعیین مدل تحقیق برابر با ۰/۱۶۷ است و این نتیجه بدان معناست که حدود ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می شود.

– مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر مجازی وضعیت انجام حسابرسي در دوره میانی (Audit) به ترتیب برابر با ۲/۷۹۷ و ۰/۰۰۵ است که این نتیجه نشان دهنده تاثیر مثبت و معنادار این متغیر بر حجم معاملات سهام پس از انتشار صورت های مالی میان دوره ای (TV_post) است. نتیجه به دست آمده نشان دهنده آن است که انجام حسابرسي تاثیر معناداری بر حجم معاملات انجام شده پس از انتشار صورت های مالی داشته و منجر به افزایش حجم معاملات شده است. به عبارت

دیگر نتیجه به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که حجم معاملات پس از انتشار صورت‌های مالی در شرکت‌هایی که مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند، به شکل معناداری افزایش یافته است.

در بخش‌های دوم و سوم به ترتیب مربوط به تاثیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس و معیار اندازه حسابرس بر حجم معاملات سهام پس از انتشار صورت‌های مالی میان دوره‌ای می‌باشد که نتایج به شرح زیر است:

- نتایج در بخش دوم جدول ۳ که نشان‌دهنده تاثیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس بر حجم معاملات سهام میان دوره‌ای است، نشان‌دهنده آن است که مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس، به ترتیب برابر با $0/۳۸۷-$ و $0/۸۶۵-$ می‌باشد و این نتیجه بدان معناست که کیفیت حسابرسی تاثیری منفی اما بی‌معنا بر متغیر وابسته داشته است و با افزایش کیفیت حسابرسی به واسطه افزایش تخصص حسابرس، کاهش حجم معاملات سهام پس از انتشار صورت‌های مالی میان دوره‌ای مشاهده شد هر چند که این رابطه از لحاظ آماری معنادار نیست.

- نتایج در بخش سوم جدول ۳ بیانگر آن است که مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر کیفیت حسابرسی بر اساس معیار اندازه حسابرس، به‌عنوان یکی دیگر از معیارهای سنجش تخصص حسابرس، به ترتیب برابر با $0/۴۰۰-$ و $0/۶۸۹-$ است. نتیجه به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی (بر اساس معیار اندازه حسابرس) تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام میان دوره‌ای نداشته است.

مجموع نتایج از جداول فوق نشان‌دهنده آن است که انجام حسابرسی میان دوره‌ای تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام شرکت پس از انتشار صورت‌های مالی میان دوره‌ای داشته است و این بدان معناست که حسابرسی شدن یا نشدن اطلاعات منتشره توسط شرکت‌ها منجر به واکنش‌های متفاوتی شده و حجم معاملات سهام شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. با توجه به تاثیرگذاری انجام حسابرسی میان دوره‌ای بر حجم معاملات سهام، به بررسی کیفیت حسابرسی انجام‌شده بر حجم معاملات سهام پرداخته شد که نتایج گویای آن است که هیچ‌یک از معیارهای کیفیت حسابرسی تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام پس از انتشار صورت‌های مالی نداشته است. در واقع این نتایج بیانگر آن است که بیشتر از کیفیت حسابرسی انجام‌شده، صرف انجام حسابرسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای مورد توجه سهامداران شرکت‌ها قرار گرفته است و واکنش بیشتری به انجام حسابرسی داشته‌اند تا کیفیت حسابرسی انجام شده. در مجموع این نتایج نشان می‌دهد که با وجود آنکه انجام حسابرسی تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام داشته اما کیفیت حسابرسی انجام‌شده تاثیری معنادار بر حجم معاملات سهام نداشته است و این بدان معناست که:

فرضيه دوم تحقيق مبنی بر اینکه؛ کیفیت حسابرسي بر بهبود حجم معاملات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تاثیر معناداری دارد، در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی بررسی تاثیر حسابرسي و کیفیت حسابرسي میان دوره‌ای بر بهبود کیفیت اطلاعات و حجم معاملات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار است. تقاضا برای کیفیت حسابرسي به دلیل نقش‌های متعددی است که حسابرسي برای کاربران صورت مالی ایفا می‌کند. تخصص حسابرسي در صنعت و بزرگی موسسه حسابرسي با شناختی که از پیچیدگی‌ها و مسایل خاص یک صنعت به‌وجود می‌آورند، نقش نظارتی و اطلاعاتی بارزتری نسبت به دیگر موسسه‌های حسابرسي به‌وجود می‌آورند و می‌توانند اطلاعات قابل اتکایی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند و به این ترتیب ریسک اطلاعاتی بازار را کاهش دهند؛ بنابراین حسابرسان نقش قابل توجهی در کیفیت گزارشگری مالی و از قبیل آن افزایش حجم معاملات شرکت‌ها به عهده دارند. با این وجود بررسی فرضیه‌های تحقیق بیانگر این نتیجه بوده است که انجام حسابرسي و کیفیت حسابرسي انجام‌شده تاثیری معنادار بر بهبود کیفیت اطلاعات میان دوره‌ای نداشته است که شاید بتوان نتیجه را به دلیل اجمالی بودن حسابرسي میان دوره‌ای مربوط دانست. دیگر نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حسابرسي شدن یا نشدن اطلاعات منتشره توسط شرکت‌ها منجر به واکنش‌های سهامداران شده و حجم معاملات سهام شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. نتایج به‌دست‌آمده در خصوص تاثیرگذاری کیفیت حسابرسي بر حجم معاملات سهام، گویای آن است که هیچ‌یک از معیارهای کیفیت حسابرسي تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام پس از انتشار صورت‌های مالی نداشته است. در واقع این نتایج بیانگر آن است که بیشتر از کیفیت حسابرسي انجام‌شده، انجام حسابرسي صورت‌های مالی میان دوره‌ای مورد توجه سهامداران شرکت‌ها قرار گرفته است و واکنش بیشتری به انجام حسابرسي داشته‌اند تا کیفیت حسابرسي انجام شده. در مجموع این نتایج نشان می‌دهد که با وجود آنکه انجام حسابرسي تاثیر معناداری بر حجم معاملات سهام داشته؛ اما کیفیت حسابرسي انجام‌شده تاثیری معنادار بر حجم معاملات سهام نداشته است.

منابع

1. Abbott, L. J, Park, Y & Parker, S (2000). The Effects of Audit Committee Activity and Independence on Corporate Fraud: *Managerial Finance*, 26(26). 55- 67.
2. Abbott, L. J, Park, S & Peters, F (2004). Audit committee characteristics and restatements: *Journal of Practice and Theory*, 19(2): 47-66
3. Adel, Azar. Mansoor, Momeni, (1381). *Statistics & its application in management*. 2nd edition, Samt public Tehran, Iran.
4. Ahmed, Ahmad Poor. Mohammad, KashanyPoor. Reza, Shojaee. (1389). The effect of corporate governance and audit quality on the cost of financing through debt (borrowing). *Accounting and auditing investigation*, 17(62): 17-32
5. Casterella, J. & Francis, B. & Lewis. (2004). Auditor industry specialization, client bargaining power, and audit pricing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23 (1): 123-140.
6. Chen .Charles J.P, Srinidhi. Bin, Su.Xijia (2014). Effect of auditing: Evidence from variability of stock returns and trading volume. *China Journal of Accounting Research* 7: 223° 245.
7. Deangelo L.E (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183-199.
8. DeFond, M. L. (1992). The Association between Changes in Client Firm Agency Costs and Auditor Switching *A Journal of Practice and Theory*, 11: 16-31.
9. Donohoe, M. & Knechel, R. (2014). Does corporate tax aggressiveness influence audit pricing? *Contemporary Accounting Research*, 31 (1): 284-308.
10. Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2): 148-165.
11. Hanwen, C., Jeff, Z., Chen, G., Lobo, W. (2008). Effects of Audit Quality on Cost of Equity Capital and Earnings Management: Evidence from China. Available in <http://www.SSRN.com>.
12. Hossein, Etemadi. Amir, Mohammadi. Mehdi, Nazmi ardakani. (1388). The relationship between industry specialization and earnings quality in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting*, 1(2): 17-32
13. Jones, J., (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research* 29, 193° 228.
14. Mohammad, Moradi. Mohammad, osoolian. Mohammad, Norouzi. (1393). Audit Opinion and Earnings Management: Uncertainty in Going-concern. *Accounting and auditing investigation*, 21(3): 313-328
15. Mohammad Ramadan, Ahmadi. Kamran, Jamali. (1392). Effect of Audit Quality on future stock returns firms listed in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and auditing investigation*, 20(4).
16. Omid, Poorheydari. Mojtaba, Gol Mohammadi Shooraki. (1394). The effect of risk on the part of tax audit fees. *Accounting and auditing investigation*, 22(3).
17. Reshad, Abdulkhalig. Ajinkia, Bipinb. (1379). *Empirical Research in Accounting: a methodological point of view*. Translated by Mohammad Namazi, Published by Shiraz University, Shiraz.
18. Seyyed Hossein, Sajjadi. Hassan, Farazmand. (1392). The effect of audit quality on the cost of equity. *Empirical Research in Accounting*, 3(10).

19. Shamki, D (2013). The Influence of Economic Factors on the Value Relevance of Accounting Information in Jordan. *International Journal of Business and Management* 8(6).
20. Wanda, W. (2004). The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets: A Look Back and a Look Forward. *Research in Accounting Regulation*. 17: 268-297.
21. Watts & Jerold L. Zimmerman (1983). Agency Problems, Auditing, and the Theory of the Firm: Some Evidence. *The Journal of Law & Economics*. 26(3): 613-633.
22. Willenborg. M. (1999). Empirical analysis of the economic demand for auditing in the initial public offering market", *Journal of Accounting Research* 37 (spring): 225-238.
23. Yahya, Hassas Yeganeh. Massoud, Hassani. Mohammad, Marfoo. (1394). Management Overconfidence and audit fees. 22 (3).

